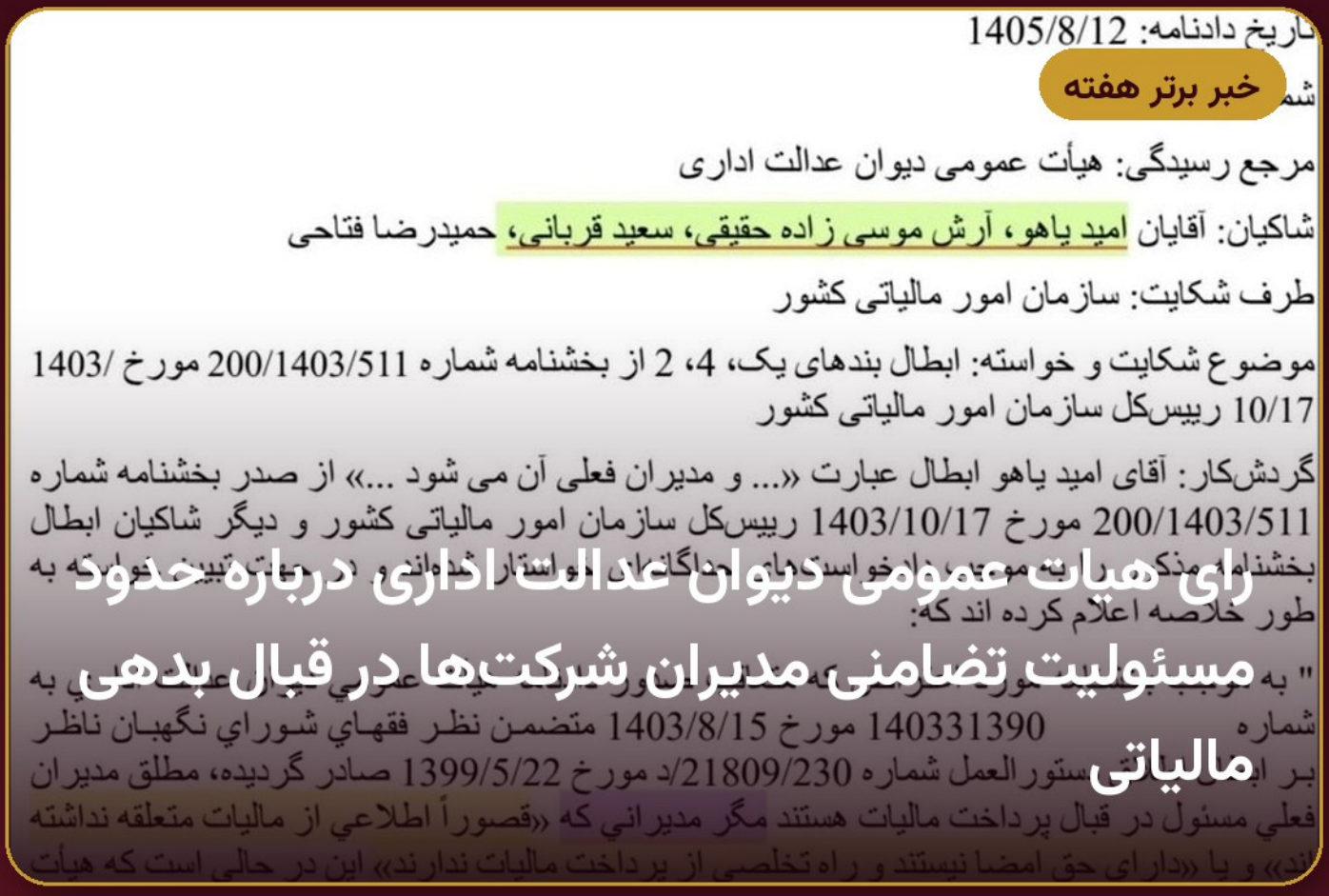
یک قاضی

مجلهٔ هفتگی اخبار و آرای حقوقی

شمارهٔ ۱ • ۲۲ آبان تا ۲۹ آبان ۱۴۰۵


تاریخ دادنامه: 1405/8/12

خبر برتر هفته

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان امید یاهو، آرش موسی زاده حقیقی، سعید قربانی، حمیدرضا فتاحی

طرف شکایت: سازمان امور مالیاتی کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای یک، 4، 2 از بخشنامه شماره 200/1403/511 مورخ /1403 10/17 رییس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور

گردش‌کار: آقای امید یاهو ابطال عبارت «... و مدیران فعلی آن می شود ...» از صدر بخشنامه شماره 200/1403/511 مورخ 1403/10/17 رییس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور و دیگر شاکیان ابطال

طور خلاصه اعلام کرده اند که:

" به

شماره 140331390 مورخ 1403/8/15 متضمن نظر فقهاي شوراي نگهبان ناظر

بر ا ستور العمل شماره 21809/230/د مورخ 1399/5/22 صادر گردیده، مطلق مدیران

فعلي مسئول در قبال پرداخت مالیات هستند مگر مدیراني که «قصوراً اطلاعي از مالیات متعلقه نداشته

ند» و یا «دارای حق امضا نیستند و راه تخلصی از پرداخت مالیات ندارند» این در حالی است که هیأت

رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری درباره حدود مسئولیت تضامنی مدیران شرکت‌ها در قبال بدهی مالیاتی

در این شماره

۲ ۶ خبر مهم هفته

۵ ۵ نظریهٔ مشورتی (متن کامل)

۷ ۴ رأی و نشست قضایی (متن کامل)

۱۰ عضویت در کانال یک قاضی



خبر ۱

رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری درباره حدود مسئولیت تضامنی مدیران شرکت‌ها در قبال بدهی مالیاتی

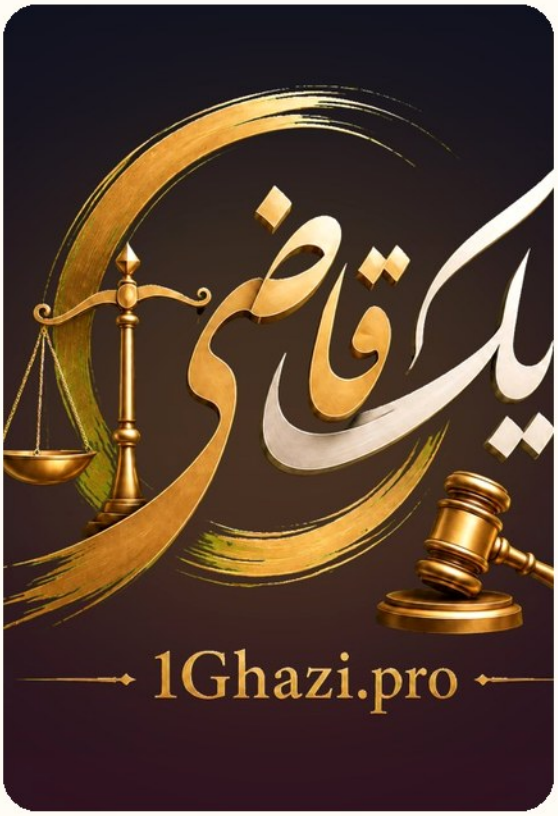
- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مه شماره 140531390002060778، اطلاق بندهای ۱، ۲ و ۴ بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۴۰۳/۵۱۱ مورخ ۱۷ دی ۱۴۰۳ رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور درباره مسئولیت مدیران شرکت‌ها در پرداخت بدهی‌های مالیاتی را در حد مغایرت با نظر فقهای شورای نگهبان و آرای پیشین هیأت عمومی دیوان، از تاریخ صدور ابطال کرد.

یک قاضی

خبر ۲

رأی ابطال بخشنامه تعیین حداقل حقوق سال ۱۴۰۳ و تأکید بر حداقل مبلغ حکم یا قرارداد قوانین بودجه سنواتی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۲ آبان ۱۴۰۵، بخشنامه رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور درباره نحوه محاسبه حداقل حقوق کارمندان در سال ۱۴۰۳ را ابطال کرد. این رأی با تأکید بر لزوم رعایت قوانین بودجه سنواتی، نحوه محاسبه حقوق شاغلان را اصلاح کرده و به ابهاماتی که در تعیین حقوق و مزایای قانونی کا ن دولت وجود داشت، پایان داد.



یک قاضی



خبر ۳

موافقت مجلس با اصلاح لایحه الحاق دولت ایران به معاهده دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی در مورد همکاری مجریان قانون مبارزه با فساد

در جلسه علنی ۲۷ آبان ۱۴۰۵، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رأی اکثریت، اصلاح ماده واحده لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مکه مکرمه سازمان همکاری اسلامی درباره همکاری نهادهای مجری قانون مبارزه با فساد را تصویب کردند. این اصلاح اجازه می‌دهد اسناد الحاق به دبیرخانه سازمان تسلیم شود و وزارت دادگستری و امور خارجه سالانه گزارش اجرای مفاد را به کمیسیون قضائی ارائه کنند.

یک قاضی

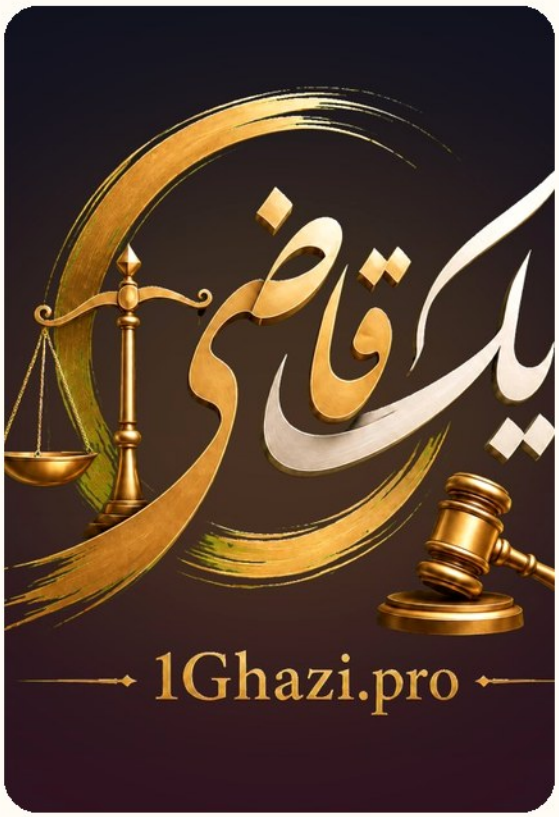
خبر ۴

بخشنامه معاون حقوقی رییس جمهور در خصوص «لزوم انتشار پیش نویس مقررات توسط دستگاه های اجرایی جهت نظرخواهی و جلب مشارکت عمومی»

معاون حقوقی رئیس‌جمهور با صدور بخشنامه‌ای جدید، کلیه دستگاه‌های اجرایی را ملزم به انتشار پیش‌نویس مقررات پیشنهادی در سامانه‌های رسمی برای دریافت نظرات عمومی و جلب مشارکت شهروندان کرده است؛ این اقدام باعث شفافیت بیشتر فرآیند قانون‌گذاری و فراهم شدن فرصت برای وکلا و نهادهای مدنی جهت ارائه پیشنهادات می‌شود در سال جاری.

یک قاضی

بخشنامه و مقررات



خبر ۵

ابلاغ ممنوعیت ثبت اعتراض نسبت به قرارهای جلب به دادرسی و موارد مشابه در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

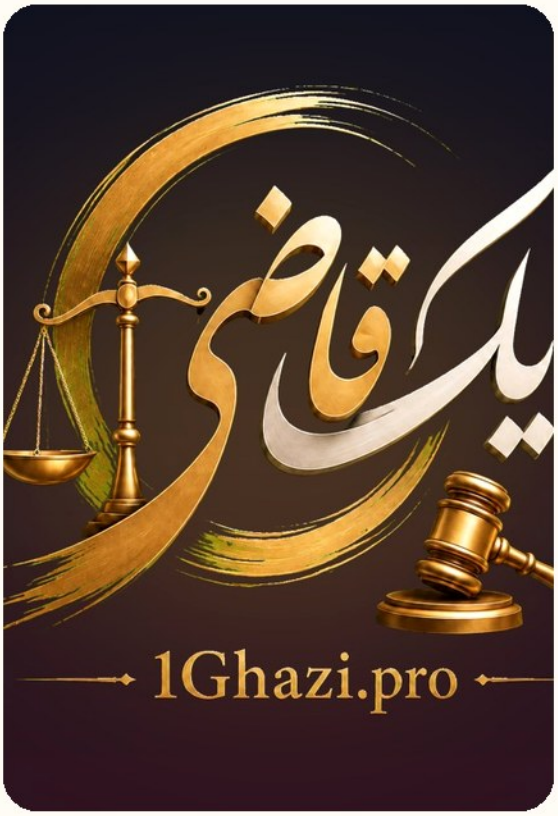
- مرکز امار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه در بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۲۰۵۲۴/۵۵۰ به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی ممنوعیت پذیرش و ثبت اعتراض نسبت به قرارهایی که غیر قابل اعتراض هستند را اعلام کرده است.

یک قاضی 1ghazi.pro/item/17098844

خبر ۶

نحوه انجام استعلامات قانون الزام در دفاتر اسناد رسمی ابلاغ شد

نحوه انجام استعلامات قانون الزام در دفاتر اسناد رسمی ابلاغ شد مدیرکل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در نامه شماره ۱۴۰۵/۱۳۴۷۴۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۰، با اشاره به ابهامات دفاتر اسناد رسمی درباره کیفیت استعلام‌های موضوع قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، به منظور ایجاد رویه واحد، تکالیف زیر را ابلاغ کرد.



یک قاضی

نظریهٔ مشورتی ۱۰

امکان رجوع واهب از هبه به نوه یا جد پدری

نظریه مشورتی

اداره کل حقوقی قوه قضاییه

اولاً، وفق صدر ماده ۸۰۳ قانون مدنی، اصل بر قابلیت رجوع از هبه است؛ مگر در بندهای چهارگانه موضوع این ماده و از آنجا که بند یک ماده، هبه مال به پدر، مادر و یا اولاد را در زمره مستثنیات رجوع از هبه آورده است، به سبب حاکمیت اصل صدرالذکر، استثنای موضوع این بند صرفاً شامل پدر، مادر و اولاد بلافصل واهب است و شامل اجداد و اولاد اولاد نمی باشد.

ثانیاً، با توجه به حکم مقرر در قسمت اخیر ماده ۳۶۷ قانون مدنی، قبض عبارت است از استیلاء بر مال که بر حسب نوع مال، متفاوت است و در فرض سؤال با توجه به عینی بودن عقد هبه و ضرورت قبض مال موهوبه (ماده ۷۹۸ قانون مدنی) به هر ترتیب و طریقی که این استیلاء بر مال موهوبه حاصل شود؛ قبض تحقق می یابد و عقد هبه واقع می شود.

1ghazi.pro/item/16983523

نظریهٔ مشورتی ۲۰

آیا ارتکاب جرایم متعدد تعزیری مجوز صدور قرار بازداشت موقت است؟

نظریه مشورتی 7/94/1110 مورخ 1394/5/5

به صراحت ماده 237 اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری 1392، صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم مذکور در بندهای ذیل این ماده که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند. بنابراین، فرض ارتکاب جرایم متعدد تعزیری، از موارد صدور قرار بازداشت موقت محسوب نمی گردد.

شایان ذکر است که بند «ب» ماده 237 یاد شده، شامل کلیه جرائم تعزیری درجه 4 و بالاتر است اما بند «ث» این ماده تعدادی از جرائم مانند سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء و...

را ذکر کرده که حتی اگر مشمول جرائم مقرر در بند «ب» هم نباشد (مانند سرقتی که درجه 5 است) به شرط اینکه قبلاً دارای یک فقره محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور در بند ث باشد و دلایل، قرائن و امارات کافی موجود باشد، از موارد صدور قرار بازداشت موقت خواهد بود.

1ghazi.pro/item/178933

نظریهٔ مشورتی ۳۰

آیا جنون پیش از حکم قطعی در جرایم حق‌الناسی مانع تعقیب است؟

نظریه مشورتی 7/94/1107 مورخ 1394/5/5

حکم قسمت اخیر تبصره یک ماده 150 قانون مجازات اسلامی مصوب1392، دایر بر اینکه عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد، مانند قصاص و دیه، مانع از تعقیب و رسیدگی نیست، گرچه همسو با تبصره 2 ماده 13 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 است؛ اما تبصره 2 ماده اخیرالذکرحاوی قیدی است که اطلاق حکم مزبور تبصره 1 ماده صدرالذکر را مقید میسازد.

1ghazi.pro/item/178932

نظریهٔ مشورتی • ۴

آیا دادسرا باید برای جرم درجه ۷ همراه با جرایم بالاتر کیفرخواست صادر کند؟

نظریه مشورتی 7/94/1098 مورخ 1394/5/5

مستفاد از مواد 22و89 و92 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 این است که انجام مرحله تحقیقات مقدماتی در کلیه جرایم از وظایف دادسرا است و طرح مستقیم پرونده در دادگاه و انجام تحقیقات فوق الذکر از سوی دادگاه تنها در موارد خاص و مصرح قانونی نظیر تبصره یک ماده 285و306و340 قانون فوق الذکر امکان پذیر است.

از سوی دیگر مطابق ماده 313 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا رسیدگی گردد و رعایت مقررات مربوط به صلاحیت محلی دادگاهها و تعدد جرم، صدور قرار تأمین کیفری و...نیز اقتضای رسیدگی یکجا و توأمان به اتهامات متهم به ارتکاب جرائم متعدد از درجات تعزیری مختلف 6و7و8 می باشد و انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به کلیه جرائم مذکور می باید از سوی دادسرا صورت پذیرد و برای همه جرائم ارتکابی کیفرخواست صادر شود.

بنابراین در فرض توأم بودن جرم درجه 7 با جرایم بالاتر امکان صدور کیفرخواست برای جرم درجه 7 به شرح مذکور وجود دارد و بنابراین تعارضی بین تبصره 1ماده 81 وماده 340 قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد.

1ghazi.pro/item/178931

نظریهٔ مشورتی • ۵

آیا با وجود تجدیدنظرخواهی شاکی خصوصی، ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری قابل اعمال است؟

نظریه مشورتی 7/94/1097 مورخ 1394/5/5

فرض ماده 442 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 باتوجه به فلسفه وجودی آن که کاهش یک مرحله از دادرسی و تسریع در رسیدگی و قطعیت آرا میباشد، ناظر بر مواردی است که پرونده امر با وجود قابلیت تجدیدنظرخواهی محکومٌعلیه، به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان و شاکی خصوصی یا استرداد درخواست تجدیدنظر از سوی نامبردگان، قابلیت طرح در مرجع تجدیدنظر را نداشته باشد.

بنابراین، درفرض سؤال که شاکی خصوصی از حکم صادره محکومیت، تجدیدنظرخواهی نموده است، مورد مطروحه از مصادیق ماده 442 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 خارج بوده و دادگاه تجدیدنظر، مطابق مقررات رسیدگی و رأی لازم را صادر خواهد نمود.

بدیهی است که دادگاه تجدیدنظر مطابق ماده 459 قانون فوقالذکر، درصورت استحقاق محکومٌعلیه، در مجازات وی تخفیف خواهد داد.

1ghazi.pro/item/178930

هزاران نظریهٔ مشورتی دیگر، با جستجو در سایت یک قاضی
جستجو، متن کامل و آرای مشابه: 1ghazi.pro

نشست قضایی ۱۰

بررسی «معاونت در قتل» به عنوان «مانع ارث»

برگزار شده توسط: استان کردستان/ شهر دیواندره

در یک پرونده قتل پس از تحقیقات فراوان مشخص می‌گردد خانمی با در اختیار قراردادن کلید منزل و نیز هموار کردن مسیر؛ اقدام به قتل همسر خود می‌نماید و ایشان بعنوان معاونت در قتل محکومیت حاصل می‌نماید. اختصاصا آیا همسر که بعنوان معاونت در قتل شناخته شده است از ماترک مقتول ارث می‌برد؟

اگرچه ممنوعیت از ارث وارث مذکور در ماده ۸۸۰ قانون مدنی ناظر به وارثی است که عمداً بالمباشره یا به تسبیب مورث خود را بکشد و ذکری از معاونت به میان نیاورده است لیکن با توجه به تعریف تسبیب در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او (در فرض مثال در اختیار قرار دادن کلید منزل و هموار کردن مسیر) جنایت حاصل نمی‌شد؛ لذا معاونت در قتل مورث نیز موجب محرومیت وارث قاتل از ارث مورث شده و همان ملاک شرکت در قتل را دارد. مرحوم دکتر لنگرودی در کتاب ارث خود و مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز هیئت عالی در جواب سوال مطروحه در ۹۱/۱۱/۲ شهرستان قائمشهر نیز چنین نظری دارد. نتیجتاً نظر اکثریت مورد تایید است.

قانون مدنی پیرامون معاونت حکمی نداده است از یک سو حرمان از ارث یک کیفر مدنی است و حکم منطق نباید قوانین را به نحو محدود تفسیر کرد. از طرف دیگر گاهی نقش معاون به گونه‌ای است که اگر معاون نبود قتل از قبل مباشر محقق نمی‌شد و عرف نیز این نظریه را ترجیح می‌دهد و در داوری مابین عرف و دیگران نظر عرف ترجیح دارد و اثبات استدلال به عرف می‌کند؛ لذا معاون ممنوع از ارث است و مرحوم دکتر کاتوزیان در کتاب قانون مدنی در نظم کنونی همان مناط که در شرکت در قتل است در معاون نیز جاری است؛ لذا معاون ممنوع از ارث است.

ممنوعیت از ارث خلاف اصل و قاعده است و چون مقتضی موجود است و شک در مانع داریم در خلاف اصل باید به قد متیقن رجوع کنیم و قدر متیقن آن است که در ماده ۸۸۰ قانون مدنی که تسبیب و شرکت و مباشر است؛ فلذا معاون ارث می‌برد و نباید قوانین را با تفسیر محدود پیش برد که رویه قضایی چنین تفسیری را نمی‌پذیرد.

1ghazi.pro/item/16983521

نشست قضایی ۲۰

تصمیم دادگاه در خصوص رابطه نامشروع در صورت عدم شکایت از یکی از متهمین

[[LEGAL_SESSION_SECTION:موضوع]] تصمیم دادگاه در خصوص رابطه نامشروع در صورت عدم شکایت از یکی از متهمین

[[LEGAL_SESSION_SECTION:پرسش]] شخص الف از رابطه نامشروع فی‌مابین همسر خود و شخص ب باخبر می‌شود و در شکوائیه قید می‌نماید صرفاً از همسر خود شاکی هستم و از آقای ب شکایتی ندارم. حالیه با لحاظ نمودن ماده 102 از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 تشریح فرمایید که دادگاه چه تصمیمی برای شخص ب در صورت احراز رابطه نامشروع اتخاذ می‌نماید؟

[[LEGAL_SESSION_SECTION:نظر هیئت عالی]] در فرض سوال با توجه به اصل ممنوعیت تحقیق و تعقیب در جرایم منافی عفت در خصوص شخص «ب»

دادگاه مواجه با تکلیفی نیست و قانوناً مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب است.

[[LEGAL_SESSION_SECTION:نظر اکثریت]] با توجه به اینکه رابطه نامشروع از جمله جرایم غیرقابل گذشت است و مشخصاً عمل منافی عفت موضوع ماده 102 قانون آئین دادرسی کیفری رفتار غیرشرعی دو جنس مخالف (مرد و زن) در ارتکاب اعمالی بوده که فاقد مشروعیت قانونی بوده اساساً رفتار یک نفر موجب تحقق بزه مذکور نمی‌گردد. لذا اولاً؛ وجود دو جنس مذکر و مونث در تحقق آن ضروری می‌باشد. ثانیاً؛ با لحاظ ماده 64 و قسمت اخیر ماده 102 قانون آئین دادرسی کیفری که بیان می‌دارد تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود، حتی بدون شکایت شاکی شخص ب قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

[[LEGAL_SESSION_SECTION:نظر اقلیت]] نظر به اینکه ماده 102 قانون آئین دادرسی کیفری صراحتاً اظهار داشته که در صورت وجود شاکی نیز تحقیق و تعقیب فقط در محدوده شکایت باید صورت گیرد. لذا دادگاه باید در خصوص شخص ب (با توجه به ممنوعیت تحقیقات در جرایم منافی عفت که در صدر ماده فوق‌الذکر مورد اشاره قرار گرفته است) اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب نماید. مبحث آیین دادرسی کیفری واژگان کلیدی بزه رابطه نامشروع جرایم منافی عفت شاکی مستندات قانونی ماده102قانون آیین دادرسی کیفری ماده 64 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 رویه‌ای *.حقوق مادی و معنوی این سامانه متعلق به

1ghazi.pro/item/503116

رأی دادگاه ۰ ۳

ضرب و جرح با شیشه و توهین؛ تأیید رأی

متن رأی دادگاه

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای الف. ش. فرزند الف. نسبت به قسمتی از مه شماره 213 مورخ ۱۳۹۴/3/24 صادر شده از شعبه 102 دادگاه عمومی بخش چهاردانگه که به موجب آن به اتهامات ایراد ضرب و جرح عمدی با شیشه و توهین موضوع شکایت آقای ر. خ.، به پرداخت دیه صدمات در حق شاکی و تحمل یکسال حبس تعزیری بابت ضرب و جرح و تحمل 74 ضربه شلاق تعزیری بابت دیگر اتهام مذکور محکوم گردیده است، با توجه به محتویات پرونده، نظر به اینکه عمل ارتکابی (ایراد ضرب و جرح عمدی) مشارالیه با لحاظ نوع صدمات وارده به مصدوم و وسیله استفاده شده از ناحیه ضارب از شمول مقررات ماده 614 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 (ماده استنادی دادگاه بدوی) و نیز از تبصره آن خارج است و عمل مزبور واجد جنبه عمومی شناخته نشده و در قانون مجازات تعزیری دیگری نیز تعیین نگردیده است دادگاه این بخش از مه معترضٌ‌عنه را به لحاظ فقد عنصر قانونی مغایر با مقررات تشخیص داده و با پذیرش تجدیدنظرخواهی، مستنداً به بند ب ماده 455 همان قانون حکم بر برائت نامبرده از اتهام انتسابی (جنبه عمومی بزه ایراد ضرب و جرح عمدی) صادر می‌نماید. اما نظر به اینکه دیه معینه در مه کمتر از یک دهم دیه کامل است که در این صورت مطابق بند ب ماده 427 قانون آئین دادرسی کیفری، مه در بخش محکومیت به پرداخت دیه، قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است دادگاه قرار رد تجدیدنظرخواهی صادر می‌نماید. ضمن اینکه مه مزبور در دیگر بخش (محکومیت به اتهام توهین)

موافق با موازین اصدار یافته و ایراد و اشکالی بر آن وارد نیست و اینکه اعتراض موثری که نقض مه را ایجاب نماید به عمل نیامده است دادگاه با رد تجدیدنظرخواهی، مستنداً به بند الف ماده 455 قانون آئین دادرسی کیفری، مه تجدیدنظرخواسته را تایید می‌نماید. رای دادگاه قطعی است.

رئیس و مستشار شعبه ۱۴دادگاه تجدیدنظر استان تهران

نعمت اله نیک نژاد - اسماعیل تیموری

1ghazi.pro/item/17591100

رأی دادگاه • ۴

مطالبهٔ وجه سفته و سند عادی

متن رأی دادگاه

در خصوص دعوی الف. د. با وکالت ف. ش. به طرفیت ش. ه.س. به خواسته صدور حکم مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت وجه سفته به شماره های 522197-522196-522198-522193-522194-024256-522200-522199-522192-522195-7758816 جمعاً به مبلغ 120/000/000 ریال و پرداخت مبلغ 180/000/000 ریال موضوع رسید عادی با احتساب خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه با توجه به اینکه وجود اصل سفته های مستند دعوی در نزد خواهان دلالت بر اشتغال ذمه خوانده نسبت به خواهان و استحقاق خواهان در مطالبه وجه آنها دارد و اینکه خوانده دلیلی بر پرداخت وجه سفته ها و یا عدم استحقاق خواهان ارائه ننموده است لذا دادگاه دعوی خواهان را در این خصوص وارد تشخیص داده استناداً به مواد 307 و 308 قانون تجارت و مواد 198و519و522 قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ 120/000/000 ریال بابت وجه سفته های مذکور و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست (94/2/14) تا زمان اجرای حکم و پرداخت مبلغ 3/600/000 ریال هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه صادر و اعلام می نماید. در خصوص دعوی خواهان با موضوع سند عادی با عنایت به اینکه مدارک ارائه شده توسط خوانده حکایت از پرداخت وجه آن دارد که این امر مورد تایید وکیل خواهان نیز قرار گرفته است دادگاه دعوی خواهان را متکی بر دلیل تشخیص نداده استناداً به ماده 197 قانون آیین دادرسی مدنی و ماده 1257 قانون مدنی حکم به بی حقی خواهان صادر می نماید. رای صادره حضوری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

قاضی مامور در شعبه 57 دادگاه عمومی حقوقی تهران-بابک ترکی

1ghazi.pro/item/17591097

هزاران رأی قضایی دیگر، رایگان در بانک آرای یک قاضی
جستجو، متن کامل و آرای مشابه: 1ghazi.pro



یک قاضی

مرجع اخبار برتر حقوقی ایران

اخبار فوری، نظریه‌های مشورتی، آرای وحدت رویه،
آزمونک روزانه و خلاصهٔ صوتی شبانه

عضویت در کانال تلگرام

@Yek_Ghazii

1ghazi.pro